

نگرش سیستمی و یکپارچگی توسعه روستایی در طرح‌های بهسازی

● جانعلی بهزاد نسب
کارشناس ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی ناحیه‌ای

■ مقدمه

از دیرباز، روستائینی جلوه‌بارزی از حیات اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی کشور ما بوده و با وجود فرازونشیب‌های فراوان در طول تاریخ، همچنان با نظامی کمابیش پایدار، در طی اعصار مختلف، به عنوان میراث و سنت زندگی اجتماعی ایران زمین، به حیات خود ادامه داده است.

تحولات روستاهای ایران، همواره تابع عناصر قدرت و تأثیر نهادها، افراد و جریان‌های مختلفی است که از کانونهای مسلط بر مقدرات روستا سرچشمه می‌گیرد. شکل اولیه روابط و تحولات در محیط روستا با اعمال قدرت و بنا به درخواست خوانین و مالکین آبادیها رقم می‌خورده است. این‌گونه فعل و انفعالات، عمدتاً در محدوده هر روستا و به صورت جزیره‌ای تجلی یافته و روابط بین روستاها یا روستا با نواحی شهری، برپایه خواست و نیاز مالک نظم می‌یافته است. با گسترش دامنه اقتدار دولت مرکزی و نفوذ هرچه

بیشتر عناصر دولتی در محیط‌های روستایی و به‌ویژه پس از اصلاحات ارضی که رفته رفته نقش مالکان بزرگ کم‌رنگ‌تر شد، جریان‌ها و روابط در روستاها و همچنین، تحولات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی روستاها تا حد زیادی متکی بر خواست دولتمردان و برنامه‌های دولتی گردید. در این فرآیند، نقاط روستایی به عنوان یک جزء در فضای منطقه‌ای و کشور متأثر از سیاستها، برنامه‌ها و خدمات برنامه‌ریزی شده دولتی بودند. گسترش شبکه حاکمیت سیاسی دولت مرکزی و خدمات‌رسانی به نقاط روستایی به تدریج برنامه‌ریزان را برآن داشت، تا نظام تحول و تزریق سرمایه و امکانات به فضاهای روستایی را به نظم کشیده و تحت قانونمندی خاصی که در خدمت جریان عمومی تحول و توسعه منطقه‌ای یا منی قرار گیرد، درآورند. از جمله این کوششها، می‌توان به برنامه‌ریزی ایجاد حوزه‌های عمران روستایی در برنامه‌های توسعه پیش از انقلاب

اسلامی اشاره نمود.

با پیروزی انقلاب اسلامی ایران و توجه اساسی و عمیق به رفع محرومیت از نقاط روستایی، سیل امکانات و خدمات، به طرف فضاهای روستایی سرازیر شد که هدف اساسی آن، رعایت عدالت اجتماعی و کاهش اختلاف سطح زندگی روستا و شهر بود. به تدریج تشکیلات فعال در امر محرومیت‌زدایی از چهره روستاها، دریافتند که می‌باید گسیل خدمات، تزریق سرمایه و ظرفیت‌سازیهایی مختلف در فضاهای روستایی، در راستای اهداف مشخص و در چارچوب توسعه ملی و منطقه‌ای صورت پذیرد. در این رویکرد، نوع تحولات و مکان موردنظر برای استقرار خدمات، فعالیتها و نقاط روستایی به عنوان یک جزء از فضای کلان‌تر از خود موردنظر قرار گرفته و در برنامه‌های توسعه وارد می‌شوند. با توجه به این مهم، هرگونه فعالیت روستایی خاص، در ارتباط با نقش و اهمیت آن روستا در

فضای منطقه‌ای بروز و ظهور می‌یابد و تابعی از صرفه‌های مختلف اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی است. بنابراین، هر روستا نخست در نظام منطقه‌ای و استانی تعین می‌یابد و به عنوان یک کل مستقل و دارای روابط با سایر اجزای تشکیل‌دهنده یک فضای فراتر که بدان متعلق است، تعریف می‌شود که در این تعریف، جایگاه منطقه‌ای، عملکرد عمومی و سطح روابط روستا با سایر نقاط روستایی و شهری تبیین می‌گردد و به عنوان یک جزء تشکیل‌دهنده فضای فراتر از خود در برنامه‌ریزی توسعه وارد می‌شود. بنابراین نگرش به روستا در قالبی سیستمی صورت می‌پذیرد و طبیعتاً برنامه‌ریزی در حوزه سیستمها و نگرش یکپارچه انجام می‌شود.

■ تعریف و اهداف موضوع

فرایند برنامه‌ریزی روستایی متأثر از طرز تلقی برنامه‌ریزی از پدیده هدف (روستا) و نوع نگرش به برنامه ریزی است.

برخی از محافل کارشناسی در کشور، با توجه و نگرش صرفاً تولیدی به روستا، معتقدند: که اساساً فضاهای روستایی، مکان تولید زراعی نظیر غلات، حیوانات و غیره با روش سنتی و براساس خرده مالکی امکان رفع نیازهای داخلی و ایجاد مزیت‌های نسبی برای صادرات کشاورزی کشور را فراهم نمی‌کند؛ بنابراین می‌باید به طرف یکپارچه سازی اراضی، مکانیزاسیون و ایجاد مزارع بزرگ پیش رفت، که در این صورت، نقاط روستایی به‌عنوان یک سکونتگاه انسانی فارغ از پیوستگی‌های تولیدی به حفظ جمعیت و بهره‌برداری از درآمد حاصل از مزارع مکانیزه خواهد پرداخت. در این نگرش، بدون توجه به هویت فرهنگی و اقتصادی روستا و بدون توجه به روابط عمیق و درهم تنیدگی ساختارهای اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی روستا، هویت مستقل و کلی روستاها تا سطح یک خوابگاه انسانی تنزل می‌باشد.

دیدگاه دیگری نیز وجود دارد که در مقابل دیدگاه نخستین، روستا را یک فضای فرهنگی می‌داند که با دارا بودن هویت مستقل و پویا، در طول زمان، فرهنگ معیشت و تولید، فرهنگ اجتماعی زیستی فرهنگ اجتماعی زیستی در کنار یکدیگر به‌عنوان عناصر تشکیل‌دهنده یک ماهیت مشخص شکل یافته و به‌صورت پیوسته و

متعامل روبه تکامل نهاده است. در این نگرش، توسعه روستایی چهار مقوله، ۱- تولید بهتر و بیشتر ۲- اشتغال برای همه ۳- عزت انسانی و اعتماد به نفس ۴- آزادی از هرگونه استبداد و سلطه‌طلبی را دربرمی‌گیرد.^۱

از طرفی، می‌توان برنامه‌ریزی را به دو گونه متفاوت از هم تقسیم نمود که عبارتند از:

۱- برنامه‌ریزی بخشی

۲- برنامه‌ریزی یکپارچه

در برنامه‌ریزی بخشی، هریک از بخشهای اقتصادی و اجتماعی موجود، نظیر: بخش آب، برق، راه، آموزش و پرورش، آموزش عالی، حمل و نقل و غیره، بطور جداگانه و عموماً بدون توجه به دیگری، به برنامه‌ریزی فعالیتها و از اختصاص بودجه و امکانات در پروژه‌های خاص خود می‌پردازند. هر یک از برنامه‌های بخشی نیز می‌تواند، از سطوح ملی، منطقه‌ای، محلی و نقاط روستایی برخوردار باشد.

نقطه مقابل برنامه‌ریزی بخشی، برنامه‌ریزی یکپارچه است. در این نوع برنامه‌ریزی، در یک فضای معین (نظیر منطقه‌ای یا محلی و غیره)، کلیه بخشها در کنار هم و به‌صورت تکمیل‌کننده یکدیگر مورد توجه هستند و تخصیص منابع و ارائه پروژه‌ها در راستای یک یا چند هدف توسعه‌ای و تولیدی صورت می‌گیرد. که در این صورت، کلیه بخشهای اجرایی تابع یک برنامه جامع و مجری پروژه‌های متعلق به خود در چارچوب مشخصی می‌باشند.

برنامه‌های بخشی، عموماً مرکزگرا و کثرت‌گرا هستند. به عبارت دیگر، اگر برنامه‌ریزی توسعه منطقه‌ای نیز با پذیرش برنامه‌ریزی بخشی صورت گیرد، در واقع برنامه‌ریزی یکپارچه برای توسعه یا برنامه‌ریزی توسعه یکپارچه، اساساً محلی و وحدت‌گراست. زیرا نقش هر یک از متغیرها و روابط و حرکات عناصر مختلف در محل وقوع آن، تعریف شده است و به‌صورت روابط دوجانبه یا چندجانبه، سنجیده می‌شود.

با توجه به آنچه گذشت، اساساً روستا در ایران پدیده‌ای است فضایی - مکانی که دارای هویت مستقل و روابط وسیع پیرامونی است. اقتصاد در روستا غالباً برپایه کشاورزی و دامداری، جزئی از پیکره آن بوده و در راستای هویت و قدرت هر روستا تعریف و تبیین می‌گردد. روستا در نظام

منطقه‌ای یک جزء از کل منطقه است که کمابیش به‌صورت فعال به ایقای نقش خود در قالب روابط درون و بعضاً برون منطقه‌ای می‌پردازد.

در این نظام، روستا دارای رفتاری مشخصی است که از نقش اجتماعی، اقتصادی و قدرت ارتباطی آن در یک فضای فراتر از خود نشأت می‌گیرد. در این صورت هر یک از روستاها نقاط مستقلی هستند که به‌وسیله شبکه‌ای از ارتباطات (ساخت و عملکردها) با هم و با نقاط شهری اتصال می‌یابند. شناخت این‌گونه نقشها و روابط و کوشش در جهت تقویت نقاط قوت و اصلاح موارد ضعف موجود در این‌گونه روابط، مقوله‌ای است که در برنامه‌ریزی توسعه یکپارچه یا برنامه‌ریزی توسعه فضایی منطقه بدان پرداخته می‌شود.

با روشن شدن نقش و کارکرد روستا در نظام فراتر از آن و تنظیم روابط منطقه‌ای، لازم است که آبدی موردنظر در جهت ایقای نقش منطقه‌ای خود تجهیز شود و تمهیدات لازم را فراهم سازد. در اینجا، تعریف روستا و ماهیت متصور برای آن معنا می‌یابد.

اعتقاد براین است که؛ روستا پدیده‌ای است زنده و پویا، که همچون هر موجود زنده دیگری دارای عناصر تشکیل‌دهنده و کارکرد مکمل این عناصر می‌باشد. در واقع، روستا یک سیستم به هم پیوسته است که توجه به آن، نیازمند کل‌نگری (از دیدگاه سیستمی) و یکپارچه‌نگری از دیدگاه برنامه‌ریزی است.

در این نوشتار، سعی خواهد شد تا ضمن تشریح مفاهیم سیستم و یکپارچگی در محیط روستا، جایگاه طرحهای بهسازی در فرایند توسعه یکپارچه روستاهای کشور تبیین گردد و مشکلات موجود در راه تحقق اهداف این طرحها بیان شود.

با توجه به موارد فوق‌الذکر، نخست دو بحث پایه‌ای سیستم در روستا و یکپارچگی تر فضای روستایی شرح داده می‌شود و آنگاه موارد مربوط به طرحهای بهسازی تبیین خواهد شد.

■ مفهوم سیستم در روستا

کلمه سیستم^۲ که در فرهنگ گفتاری و نوشتاری دهه‌های اخیر فراوان مورد استفاده قرار می‌گیرد، اشاره به پیوند مداری و تمامیت اشیاء یا پدیده‌ها دارد که در علوم مختلف به‌صورت گوناگون

به کار برده می‌شود. در تکنولوژیهای پیچیده از سیستمهای فنی و مدیریتی، در علم الاجتماع از سیستمهای اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی و در زیست‌شناسی از سیستمهای حیاتی نام می‌برند. تعریف مفهوم سیستم، از زمانی که متفکرین قرن بیستم به بینش سیستمی روی آورده‌اند، خود از جمله مسائلی بوده که مباحثات فراوانی در پی داشته است. از نظر 'برتالنفی'، سیستم عبارت است از: تعدادی عنصر که با یکدیگر ارتباطی دارند. برخی دیگر، سیستم را عبارت از مجموعه چیزهایی که بین اعراض آنها روابطی وجود دارد، دانسته‌اند. بالاخره گروهی نیز، سیستم را عبارت از هر چیزی که متشکل از عناصری مرتبط با هم باشد؛ تعریف نموده‌اند. کلیه تعاریف، دارای وجه مشترک هستند، که عبارتند از: یکی آنکه، سیستم به عنوان نمودی یکپارچه از موجودی که سیستم نیست، متمایز می‌شود و دوم آنکه، ارتباط بین عناصر در هرگونه تعریفی از سیستم، باید منظور شود.

مفهوم اساسی و جهان شمولی که از سیستم مورد نظر همگان است، عبارت از: موجودیتی است که متشکل از عناصری مرتبط و متعامل است و این ارتباط و تعامل، به سیستم، نوعی کلیت و تمامیت می‌بخشد.^۲

بنا به تعریفی که از سیستم بیان شد، سیستمها دارای اصول اساسی و مفاهیم پایه و بنیادی هستند که عبارتند از: الف - کلیت ب - عنصر ج - ارتباط د - سلسله مراتب

الف - کلیت

اعتقاد به کلیت و جامعیت یک موجود، جزء ارکان اصلی تفکر سیستمی است و مقصود از آن این است که خواص و رفتار یک موجود زنده، همواره فراتر از جمع خواص اجزای همان موجود است. به عبارتی، چنانچه کلیه خواص عناصر تشکیل‌دهنده یک پدیده را جمع نماییم، نمایشگر هویت آن پدیده به‌طور کامل نخواهد بود بلکه، باید به آن پدیده به‌صورت کلی نگریست و رفتار عمومی آن را مورد نظر قرار داد به رفتار تک تک عناصر آن را.

ب - عنصر

بنابه تعریف؛ کوچکترین واحد یک سیستم که از تجربه سیستم حاصل شده و مجموع چین

واحدهایی آن سیستم را تشکیل می‌دهند، عنصر سیستم خوانده شده است. در بینش سیستمی، عنصر براساس نقشی که در پدیدآوردن یک کلیت و عملکرد دارد، تبیین و مشخص می‌شود. یک عنصر عضوی از یک ارگانیسم است که ضمن آنکه جزئی از یک سیستم و هدف کلی تر است، خود دارای هویتی مستقل و نقش خاص می‌باشد.^۴

ج - ارتباط

ارتباط، از عوامل بنیادی شخصیت سیستم است. انواع ارتباطهایی که ممکن است عناصری را به هم پیوند دهند و سیستمی را پدید آورند، عبارتند از: ارتباط اندرکنشی، ارتباط زایشی، ارتباط تبدیلی، ارتباط ساختی، ارتباط رفتاری (که در آن عناصر یک سیستم برای عملکرد واحدی با هم متحد می‌شوند)، ارتباط تحولی و ارتباط کنترلی.^۵

د - سلسله مراتب

در مفهوم کلیت هر سیستم، صنعتی نهفته است که به آن سلسله مراتب گفته می‌شود. سیستمها، همواره از رده‌بندی ساختی و رفتاری تشکیل شده‌اند، به این معنا که عناصر سیستمها در سطوحی از فرم و عملکرد قرار دارند. هر یک از این سطوح، سیستم کاملی است که به مثابه عنصری از سیستم بالاتر از خود عمل می‌کند. با توجه به تعریف و بیان اصول و مفاهیم اساسی در بینش سیستمی به جهان و پدیده‌ها، چگونه می‌توان روستا را به عنوان یک سیستم یا یک نظام بیان نمود؟ به این منظور، لازم است تا بررسی را از سطح عناصر تشکیل‌دهنده روستا شروع کنیم و به کلیت برسیم.

برای تبیین هر چه بهتر موضوع، به‌صورت فرضی، خطی به دور حدود روستا می‌کشیم و حدود مرز پدیده مورد نظر را تحدید می‌نماییم. اختلافی که در این مرحله بین اندیشمندان وجود دارد، این است که آیا فضای روستایی محدود به حدود فیزیکی (مسکونی) روستا است یا چیزی فراتر از آن است و منابع وابسته به آن را نیز دربر می‌گیرد؟ آنچه مسلم است این که، روستا نه یک نقطه، بلکه لگه‌ای است مشتمل بر محدوده واحدهای مسکونی و مزارع و منابع تولید وابسته به

آن که محل رفت‌وآمد مرتب اهالی است این مزارع و منابع تولید، جزء لاینفک هر روستا هستند.

با تعیین حدود روستا می‌توان عناصر تشکیل‌دهنده آن را تفکیک و دسته‌بندی نمود. به این صورت که در یک روستا، واحدها یا عناصری چون: خانواده، قامل، طایفه، مسجد، کتابخانه و غیره وجود دارند که مجموعاً عناصر اجتماعی - فرهنگی نامیده می‌شوند که از آن به ساختار اجتماعی - فرهنگی تعبیر می‌گردد. عناصر دیگری چون کارگاهها، مزارع و غیره، ساختار اقتصادی، عناصری نظیر: واحدهای مسکونی، معابر و ... ساختار کالبدی و سایر واحدهای تشکیل‌دهنده یک روستا را به‌وجود می‌آورند. هر یک از این عناصر مثلاً خانواده، مزارع و ... به‌صورت مستقل دارای نقش و هویتی است که وقتی در ارتباط با سایر واحدهای متشکله روستا قرار می‌گیرند، به عنوان یک عنصر از مجموعه روستا عمل می‌نماید.

کلیه ساختارهای موردنظر، در ارتباط متقابل با هم می‌باشند؛ به عبارتی، واحدهای مسکونی با معابر و با ساختار اقتصادی و اجتماعی در ارتباط متقابل هستند. یا عنصر خانواده رابطه نزدیک با عنصر تولید یا عنصر فرهنگی دارد و به این ترتیب کلیه این روابط، بین اجزا در جهت رفع نیازهای یکدیگر و تکمیل‌کننده نقش عنصر دیگر است. مثلاً معابر روستایی تکمیل‌کننده نقش رابطه سیان واحدهای مسکونی و خانواده‌هاست. علاوه‌براین، کلیه ارتباطات و نقش‌آفرینیها در راستای یک هدف اصلی و کلی که همان قدرت و نقش عمومی روستا در ادامه حیات روستایی و اهمیت آن در بین سایر روستاهاست، می‌باشد. با این تعبیر، وقتی می‌گوییم یک روستا فعال، پویا و زنده است، منظور ما این است که از مجموع عملکرد عناصر تشکیل‌دهنده روستا، خصیصه‌ای بروز می‌نماید که به آن پویایی و حیات روستایی می‌گویند که این مهم را نمی‌توان در عملکرد هر عنصر جستجو نمود. بلکه کلیت یک سکونتگاه، تجلی‌دهنده این خصیصه می‌باشد. به عبارتی، هویت روستایی، همان کلیت سیستم روستاست.

نکته مهم دیگری که در یک روستا به عنوان یک سیستم دارای عناصر متعامل و کلی، قابل ذکر می‌باشد، وجود سلسله مراتب بین عناصر آن

است. عناصر یک سیستم در سطوحی از فرم و عملکرد قرار دارند که هریک از این سطوح سیستم کاملی است که به مثابه عنصری از سیستم بالاتر از خود عمل می‌کند. مثلاً خانواده یک سیستم مستقل و دارای اعضا، روابط و کلیت می‌باشد. لیکن به عنوان یک عنصر از ساختار اجتماعی روستا مطرح می‌باشد. ساختار اجتماعی یک روستا، که به عنوان یک سیستم مطرح است، به نوعی یک عنصر از ساختار اجتماعی منطقه مطرح می‌باشد و الی آخر.

این امر در مورد مسائل کالبدی و سلسله مراتب کالبدی، خدماتی و ... نیز مطرح است. همچنین، باید اشاره نمود که خود روستا به عنوان یک سیستم، یک عنصر از سیستم بالاتر از خود یعنی ناحیه روستایی است. این ویژگی در هر یک از عناصر روستا به طرف سطوح بالاتر و پایین‌تر قابل ذکر می‌باشد. مثال دیگری در این زمینه کمک بیشتری به روشن تر شدن مفهوم سلسله مراتب در دیدگاه سیستمی خواهد نمود؛ یک مزرعه از ساختار اقتصادی روستا می‌باشد. ولی همین مزرعه، دارای رفتار اقتصادی معین بوده و به عنوان یک سیستم مستقل دارای عناصر تشکیل دهنده‌ای است که هر یک از آن عناصر نیز خود یک سیستم هستند، عنصر آب و کرت‌بندی در مزرعه، سیستم آبیاری را به وجود آورده است. یا عنصر خاک که یک جزء از سیستم مزرعه است، متشکل از عناصری است که هر یک از آن عناصر و ملکولها، خود یک سیستم کوچک تر می‌باشد.

میان عناصر تشکیل دهنده مزرعه، شامل آب، خاک و ... روابط متقابل و تکمیل‌کننده وجود دارد که در نهایت به تولید یک محصول معین منجر می‌شود. این محصول معین، مثلاً گندم، یک پدیده جدید (کلیت) می‌باشد که در واقع برابر با مجموع خواص عناصر فوق‌الذکر نبوده و چیزی فراتر از آن و یک پدیده نو است. این پدیده نو (محصول نهایی) مفهوم و هویت واقعی مزرعه را متجلی می‌نماید.

بنابراین، روستا سیستمی است که ضمن دارا بودن عناصر مختلف با عملکرد و سطوح متفاوت، دارای هویت و کلیتی مستقل است که در نظام ناحیه‌ای به عنوان یک عنصر، از کلیت ناحیه مطرح می‌شود.



■ یکپارچگی در روستا

نگرش یکپارچه به پدیده‌ها، از جمله روستا: مولود تفکر سیستمی است. در این رویکرد، پدیده مورد نظر دارای اجزای تشکیل دهنده‌ای است که در ارتباط با هم و تکمیل کننده نقش یکدیگر هستند و در راستای هدف خاص تلاش می‌نمایند. یکپارچگی در تقابل با مفهوم پراکندگی است که در آن، حلقه اتصال میان عناصر متشکله یک سیستم از هم گسیخته شده و نظام فضایی عناصر بر هم خورده است. برنامه‌ریزی یکپارچه، در واقع توجه به همه عناصر در ارتباط با هم و بسامان نمودن پراکندگیها می‌باشد. در این رویکرد می‌توان گفت: سرمایه‌گذاری جداگانه در اجزایی که متقابلاً یکدیگر را تقویت می‌کنند، منافعی به دست می‌دهد که بیشتر از حاصل جمع منافع تک تک اجزا است.^۷

مفهوم فوق، در واقع، توجه به کلیت یک سیستم است که فراتر از مجموع عناصر آن می‌باشد. و با توجه به ساختارهای اقتصادی،

اجتماعی، فرهنگی، کالبدی و محیطی که قبلاً در تفکر سیستمی درباره روستاها ذکر شد. منظور از یکپارچگی در روستا، وجود چند مقوله ذیل خواهد بود:

الف: ترتیب و توزیع نظام یافته در مجموع واحدهای مستقر در روستا در راستای عملکرد عمومی آن روستا^۸

ب: کنش و واکنش متقابل عوامل و عناصر تشکیل دهنده روستا، شامل: نقاط، خطوط و لکه‌ها به عنوان ساختارهای تشکیل دهنده آن روستا.

با توجه به مفهوم فوق‌الذکر از یکپارچگی در روستا، چنانچه آرایش مکانی عناصر تشکیل دهنده روستا و روابط متقابل آنها در یک نظام سلسله مراتبی به صورت منطقی و سیستماتیک عمل نماید، کلیتی واحد و یکپارچه را بروز خواهد داد. در غیر این صورت، کارایی روستا در حدود مطلوب خود نخواهد بود و نیازمند برنامه‌ریزی و مداخله در فضای روستایی جهت

برقراری تعادل و تنسيق فضا می‌باشد.

■ طرح‌های بهسازی روستا به عنوان برنامه‌ریزی توسعه و یکپارچه

یکپارچگی فضایی به معنای آرایش انتظام یافته عناصر فضایی و کنش و واکنش متقابل این عناصر کارکردی به صورت منطقی و پویا و در راستای تحقق یک یا چند هدف معین، آمده است. بر اساس این تفکر، رهیافت توسعه یکپارچه در نظام برنامه‌ریزی توسعه روستایی کشورهای جهان از دهه ۷۰ میلادی به بعد مورد توجه قرار گرفت. در کشور ما هر چند برنامه‌ریزی ایجاد حوره‌های عمران روستای ایران در برنامه‌های توسعه قبل از انقلاب اسلامی، زمینه فکری این رویکرد از برنامه‌ریزی را به صورت بسیار محتمل و دور از دسترس مطرح نمود، لیکن اندیشه برنامه‌ریزی توسعه یکپارچه روستایی در ایران چه در نواحی روستایی و چه در درون یک روستا، روبه گسترش بوده و در حال حاضر برخی از طرح‌ها و برنامه‌ها با این مفهوم شکل گرفته یا در حال شکل‌گیری است.

نگرش بر اساس رهیافت فوق‌الذکر، طرح‌هایی را به‌جود می‌آورد که اطلاق طرح توسعه یکپارچه یا طرح توسعه فضایی به آن صورت می‌گیرد. از جمله این طرح‌ها می‌توان به طرح‌های بهسازی اشاره نمود. طرح‌های بهسازی در زمره طرح‌های فضایی - کالبدی است که تنسيق فضایی مراکز روستایی (به ویژه مراکز دهستان و روستاهای مرکزی) و اصلاح ساختار خدمات‌رسانی به حوزه نفوذ این گونه مراکز را مورد توجه قرار می‌دهد.

در ردیف طرح بهسازی آمده است که بهسازی تهیه و اجرای طرح جامعی است که ضمن انجام بررسی‌های اقتصادی، اجتماعی و ... در سطح دهستان و روستای مرکزی (مرکز دهستان) به ارائه سطح‌بندی خدمات در سطح دهستان می‌پردازد و طرح هادی روستای مرکزی و الگوی هدایت فیزیکی حوزه نفوذ را ارائه می‌دهد.^۱ توجه به ضرورت‌ها و اهداف طرح‌های بهسازی، مفاهیم نهفته در تعریف فوق را روشن خواهد نمود.

این ضرورت‌ها و اهداف عبارتند از:^{۱۰}

۱- ارتقای سطح زندگی روستاییان از طریق ارائه خدمات متناسب و ایجاد اشتغال.

۲- تنسيق فضا و تبیین جایگاه روستا و ایجاد وحدت رویه در سرمایه‌گذاری و خدمات‌رسانی به روستا.

۳- ایجاد کانون‌های خدمات‌رسانی و تولیدی از طریق رونق کشاورزی، استقرار صنعت و رونق تجارت.

۴- اصلاح و بهبود محیط زیست و ساختار فیزیکی روستا.

۵- کاهش روند مهاجرت و نگهداشت مطلوب جمعیت در روستا.

با توجه به تعریف، ضرورت‌ها و اهداف طرح‌های بهسازی که از سال ۱۳۶۵ در سرلوحه برنامه‌های مطالعاتی و اجرایی وزارت جهادسازندگی در امر عمران و بهسازی روستاها قرار گرفت، در می‌یابیم که طرح‌های بهسازی دارای ویژگی‌ها و ابعاد ذیل می‌باشند:

الف: با توجه به هدف ارتقای سطح زندگی روستا، در این‌گونه طرح‌ها، روستا به‌عنوان یک کل مطرح است و توسعه زندگی روستایی هدفی فراتر و برتر از رشد ابعاد مختلف زندگی روستاییان دارد.

ب: در این طرح، کلیه ساختارهای تشکیل‌دهنده زندگی روستایی اعم از ساختارهای محیطی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و کالبدی مورد توجه است و با توجه به شرح خدمات طرح‌های بهسازی در می‌یابیم که روابط فی‌مابین عناصری هر یک از ساختارها، از اهم مسائل مورد توجه این‌گونه برنامه‌ریزی است.

ج- یکی از اساسی‌ترین بخش‌های مطالعاتی و برنامه‌ریزی طرح‌های بهسازی، تشخیص و تعیین و تقویت نقش عمده روستای مرکزی است که در راستای مفهوم کلیت دیدگاه سیستمی در قالب برنامه‌ریزی یکپارچه مورد توجه قرار می‌گیرد.

د- در این طرح‌ها، وجه توجه و برنامه‌ریزی روستای مرکزی قوی‌تر از مطالعات ناحیه‌ای است. زیرا در بعد حوزه نفوذ روستای مرکزی ضمن مطالعه اجمالی ساختارهای ناحیه مورد نظر، الگوی کلی توزیع خدمات و توسعه فیزیکی ارائه می‌گردد. لیکن برای روستای مرکزی ضمن مطالعه عمیق کلیه عناصر و روابط فی‌مابین آنها، برنامه مشخصی برای اشتغال، آموزش، خدمات مورد نیاز، توسعه فیزیکی، الگوی مسکن و غیره

روستا داده می‌شود.

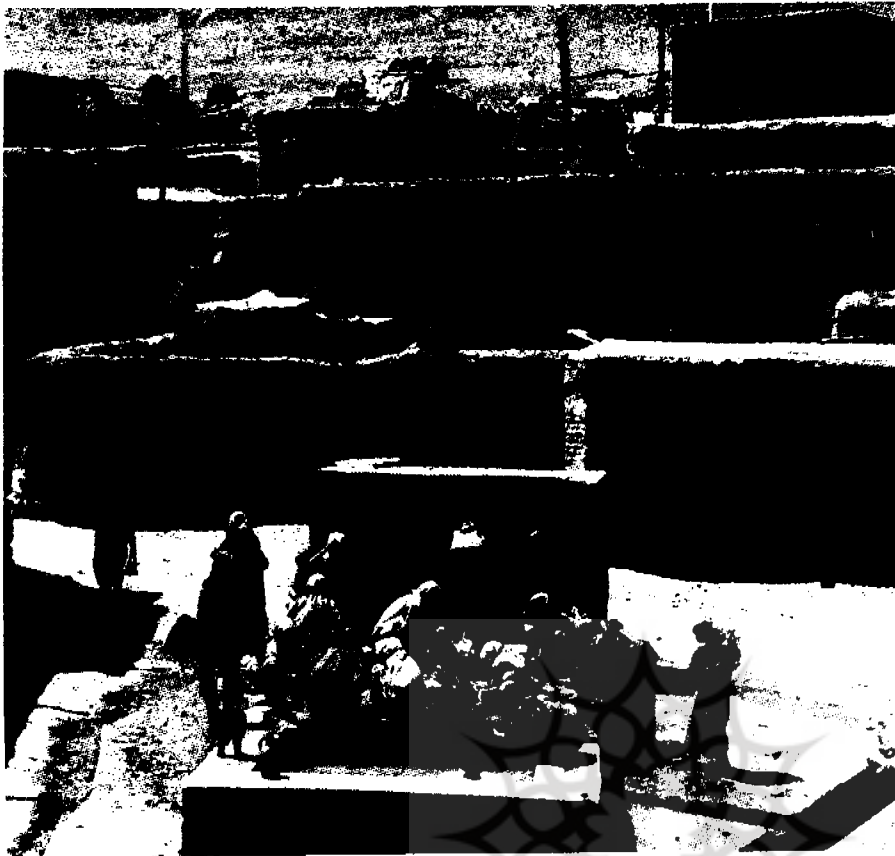
پس می‌توان گفت: طرح‌های بهسازی به واقع برنامه‌ریزی توسعه یکپارچه نقاط روستایی است که در روستاهای مرکزی (مراکز دهستان و ...) متجلی می‌شود و با توجه به خصیصه‌های نگرش سیستمی به روستا به امر تنسيق فضا، کشف روابط و تنظیم عملکردها و درنهایت، توسعه زندگی روستاییان در همه زمینه‌ها می‌پردازد.

چنانچه قبلاً ذکر شد، روستاییان به‌عنوان یک سیستم مستقل در مرتبه بالاتر از خود یک عنصر از سیستم ناحیه‌ای است که بدان تعلق دارد از طرفی خود به‌عنوان یک سیستم دارای عناصر، کلیت، روابط عنصری و سلسله مراتب وجودی عناصر و ساختارهای متشکله می‌باشد. حال با توجه به این دو خصیصه مهم روستا، نگرش سیستمی، نقش طرح‌های بهسازی در توسعه روستایی چگونه خواهد بود؟ به عبارت دیگر طرح‌های بهسازی (با توجه به تعریف و اهداف) در چه سطحی از سلسله مراتب برنامه‌ریزی، مطلوب خواهد بود؟ بیان چند مقوله ذیل، موضوع را اشکار می‌سازد:

الف: رفتار عمومی روستا (داده - ستانده) و روابط آن با سایر نقاط، تعیین‌کننده جایگاه و نقش روستا در کل ناحیه خواهد بود که به تبع آن سطح تولید، اشتغال و خدمات آن روستا براساس نظام سلسله مراتب و طبقه‌بندی نقاط روستایی و شهری تعیین می‌گردد. این مهم در طرح‌های توسعه یکپارچه نواحی یا طرح‌های ساماندهی با مفهوم توسعه یکپارچه روستایی صورت می‌گیرد.

ب: پس از آنکه نقش و جایگاه روستا در نظام ناحیه‌ای معین شد، عناصر تشکیل‌دهنده روستا (ساختارها) باید در راستای آن هدف و کلیت آرایش یافته و روابط متقابل و سلسله مراتب عملکردی داشته باشند که این امر، در قالب طرح‌های بهسازی (با ماهیتی که قبلاً بحث شد) صورت می‌گیرد.

ج: با توجه به دو نکته اساسی فوق‌الذکر، طرح‌های بهسازی می‌تواند به تعیین نقش و رفتار ناحیه‌ای روستای مورد نظر کمک نماید. (برنامه‌ریزی از پایین به بالا) و باید دقت داشت که این‌گونه طرح‌ها به روستا به‌عنوان یک سیستم، یکپارچه می‌نگرد و صرفاً طرح‌های فیزیکی - کالبدی نیستند.



با توجه به ۳ مقوله ذکر شده که باید طرحهای بهسازی، و جایگاه آن در نظام برنامه‌ریزی کشور (به عقیده این جانب) مورد توجه قرار می‌گیرد، طرحهای بهسازی فراهم آورنده بستر لازم برای توسعه روستایی و مکانهای خوبی برای رشد صنعت می‌باشد. ضرورت دارد تا این‌گونه طرحها با انجام اصلاحات لازم و تقویت جایگاه برنامه‌ریزی آن ادامه یابند. برخی از این ضرورتها را می‌توان در زمینه‌های ذیل جستجو نمود.

■ ضرورت‌های توجه به بهسازی روستاها

با توجه به تبیین طرحهای بهسازی به عنوان طرحهای توسعه یکپارچه روستاهای مرکزی در این نوشتار، ضرورت ادامه این فعالیت و حل مشکلات علمی و اجرایی احتمال بر سرراه این‌گونه فعالیت، از موارد ذیل ناشی می‌شود:

الف: تکمیل حلقه‌ها و سلسله مراتب برنامه‌ریزی در کشور

به نظر می‌رسد که می‌توان سطوح برنامه‌ریزی را به شکل زیر دسته‌بندی نمود:

- ۱ - برنامه‌ریزی ملی ۲ - برنامه‌ریزی استانی یا منطقه‌ای ۳ - برنامه‌ریزی ناحیه‌ای ۴ - برنامه‌ریزی محلی یا روستایی

با توجه به اینکه طرحهای آمایش سرزمین جمهوری اسلامی ایران در مرحله تصویب و اجرا، همچنان در حاله‌ای از ابهام قرار دارند، در سطح ملی و استانی نمی‌توان به طرح فراگیری اشاره نمود. در حال حاضر، در سطوح استان و شهرستانها، طرحهای جامع شهرستان، طرح طبقه‌بندی روستاها و تعیین خطوط استراتژی توسعه روستایی، طرحهای سازماندهی روستاهای برآکنده و غیر مطرح می‌باشد که به همراه طرحهای توسعه یکپارچه نواحی روستایی سدرج در برنامه دوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۷۸ - ۱۳۷۴)، می‌تواند تا سطوح ناحیه‌ای را برنامه‌ریزی نموده، نقش و جایگاه روستاها را در نظام برنامه‌ریزی کشور، استان و مناطق و نواحی تعیین نماید. در صورت انجام چنین طرحهایی آنچه باقی خواهد ماند، برنامه‌ریزی در سطح روستا خواهد بود که طبیعتاً روستاهای مرکزی در اولویت هستند و لازم

که لازم است سالانه حدود ۷۵ هزار فرصت شغلی جدید (جمعاً ۳/۵ میلیون) در بخش صنعت تا سال ۱۴۰۰ ه.ش به وجود آید.

فراهم نمودن مکانی مناسب برای استقرار واحدهای تولید و اسکان جمعیت مذکور نیازمند توجه به نقاط روستایی است. از این نظر مراکز روستایی (مراکز دهستان و روستاهای مرکزی) عموماً وضعیت متناسبی دارند و از نظر جغرافیایی امکان استقرار صنایع، خدمات و جمعیت را فراهم می‌کند. لیکن به دلیل نداشتن برنامه توسعه خاص، رشد این‌گونه روستاها به صورت ناموزون صورت گرفته و حتی بدلیل عدم یکپارچگی در برنامه‌ریزی، مهاجرپرست نیز شده‌اند. نزریق سرمایه، ارائه خدمات، اصلاح بافت فیزیکی و آرایش مطلوب عناصر تشکیل دهنده این‌گونه روستاها که هدف طرحهای بهسازی است، زمینه لازم برای نگهداشت مطلوب جمعیت مذکور و ایجاد فرصتهای شغلی لازم را فراهم خواهد کرد.

ج - اصلاح نظام توزیع جغرافیایی جمعیت در کشور

با عنایت به تغییر سیاست توسعه کشور از اتکا به درآمد نفت و گسترش بازار مصرف متمرکز

است که با نگرش سیستمی و در قالب برنامه‌ریزی یکپارچه توسعه روستایی به انجام برسد. با عنایت به تمسیری که از طرحهای بهسازی انجام شد، این سطح از برنامه‌ریزی نیز با این‌گونه طرحها پوشش داده می‌شود.

ضمن آنکه در صورت خلاء برنامه‌های ناحیه‌ای و استانی، طرحهای بهسازی از پایین به بالا تعیین کننده نقش روستاها و در نهایت باروی برنامه‌ریزی در سطوح فوق‌الذکر خواهند بود.

ب - نگهداشت مطلوب جمعیت در روستا و ایجاد زمینه‌های اشتغال و سرمایه‌گذاری

مطابق یکی از برآوردهای جمعیتی کشور^{۱۱} تا سال ۱۴۰۰ ه.ش جمعیت ایران به حدود ۱۳۰ میلیون نفر خواهد رسید که از این رقم، حدود ۳۰ میلیون نفر در نقاط روستایی به سر خواهند برد. برای تأمین زندگی اقتصادی جمعیت مذکور (روستایی)، در سال ۱۴۰۰، لازم است که حداقل ۹/۸ میلیون فرصت شغلی وجود داشته باشد که ۳/۵ میلیون فرصت شغلی در بخش کشاورزی، ۳ میلیون در بخش خدمات و حدود ۳/۵ میلیون فرصت شغلی در بخش صنعت. در حال حاضر، در بخش صنعت ۱/۵ میلیون فرصت شغلی وجود دارد

یکی از برآوردهای جمعیتی کشور تا سال ۱۴۰۰ هـ ش جمعیت ایران به حدود ۱۳۰ میلیون نفر خواهد رسید که از این رقم، حدود ۳۰ میلیون نفر در نقاط روستایی به سر خواهند برد. برای تأمین زندگی اقتصادی جمعیت مذکور (روستایی) در سال ۱۴۰۰، لازم است که حداقل ۹/۸ میلیون فرصت شغلی در بخش کشاورزی، ۳ میلیون در بخش خدمات و حدود ۳/۵ میلیون فرصت شغلی در بخش صنعت. در حال حاضر، در بخش صنعت ۱/۵ میلیون فرصت شغلی وجود دارد که لازم است سالانه حدود ۷۵ هزار فرصت شغلی جدید (جمعاً ۳/۵ میلیون) در بخش صنعت تا سال ۱۴۰۰ هـ ش به وجود آید.

■ مشکلات موجود و راهبردهای قابل توجه

چنانچه ذکر شد، طرحهای بهسازی در زمره طرحهای توسعه یکپارچه روستایی می‌توانند به عنوان حلقه یزین نظام برنامه‌ریزی کشور و در قالب برنامه‌ریزی از پایین به بالا، جریان توسعه در روستاهای مرکزی را سامان دهند و هدف تنسيق فضا و توسعه زندگی را در مراکز روستایی (دهستان و روستاهای مرکزی) محقق نمایند. این‌گونه طرحها که ماهیتاً سیستمی و یکپارچه هستند کلیه ساختارهای موجود در روستا را پوشش می‌دهند و طبیعتاً برنامه‌ریزی آن، عناصر و در نهایت بخشهای اجرایی را دربر می‌گیرد، با مسائلی روبرو است که در ذیل ذکر می‌شود:

الف - وجود برنامه‌ریزی بخشی در کشور و عدم اجرای کلیه بخشهای این طرح.

ب - تبلور فیزیکی طرحهای بهسازی و نهایتاً ضعف در کارکردهای برنامه‌ریزی شده روستا.

ج - موازی‌کاری و تفاوت علمی و اجرایی طرحهای بهسازی (یا هادی)

د - فقدان مدیریت یکپارچه روستایی و طبیعتاً مدیریت نگهداری در روستاها.

ه - ابهام و تشتت‌آرا در نگرش به مفهوم و آینده روستاهای کشور.

و - فقدان طرحهای توسعه‌ای در سطح استان و نواحی روستایی به عنوان حلقه‌های پیشین طرحهای بهسازی.

ز - گسترش اندک صنایع روستایی به دلایلی چون:

- عدم تناسب ابزار تولید با واقعیت‌های بازار ملی و جهانی.

- گرایش عمومی برنامه‌ریزی صنعتی کشور به

در برنامه دوم توسعه برای نخستین بار، بخش عمران روستایی و عشایری به صورت مستقل در نظر گرفته شده و عمران و نوسازی روستاها به عنوان یک فصل تعریف شده است. جهت‌گیریهای عمده برنامه به طرف توسعه اشتغال و ارتقای سطح زندگی روستاییان با استفاده از طرحهای توسعه یکپارچه نواحی روستایی و ساماندهی روستاهای پراکنده می‌باشد. اهداف کیفی این فصل، عبارتند از: ۱۲-

۱ - توسعه یکپارچه فضاهای دارای ظرفیت بالقوه رشد روستایی.

۲ - بهبود کیفیت زیست، اصلاح ساختار کالبدی و بهبود کیفیت سکونتگاههای روستایی.

۳ - ارتقای نقش روستاییان در اداره امور روستاها.

۴ - ارتقای ظرفیت اشتغالزایی صنایع کوچک.

۵ - برقراری تناسب بین ارائه خدمات و جمعیت روستایی.

۶ - اصلاح الگوی استقرار جمعیت در نواحی روستایی.

چنانچه ملاحظه می‌شود، هدف‌گذاری برنامه دوم در فصل عمران و نوسازی روستاها در راستای توسعه یکپارچه نقاط و نواحی روستایی بوده و امکان تعریف و اجرای پروژه‌های بهسازی در این قالب را به خوبی فراهم کرده است. براساس تبصره ۸۰ قانون برنامه، قرار است تا پایان برنامه دوم، حدود ۲۵۶۰ طرح بهسازی برای روستاهای مرکزی تهیه شود که در این صورت، بالغ بر ۳/۹ میلیون نفر از ساکنین روستاها تحت پوشش طرحهای بهسازی قرار خواهند گرفت.

به طرف اتکا به منابع تر، داخلی و کنترل مصرف، لاجرم نظام توزیع جمعیت نیز به صورت غیرمتمرکز در خواهد آمد. برای تحقق این هدف، روستاهای کشور به ویژه روستاهای مرکزی مکان مناسبی خواهند بود و طرحهای بهسازی اجزای مناسب جهت برنامه‌ریزی این مهم می‌باشند.

د - سیاست فقرزدایی

پذیرش این سیاست ما را به توجه بیشتر به روستاها و رفع محرومیت‌های اقتصادی، اجتماعی، کالبدی و خدماتی این نقاط سوق می‌دهد. گسترش خدمات برتر، استقرار واحدهای تولیدی، رونق تجارت و رفع مشکلات زیست‌محیطی که در زمره اهداف طرحهای بهسازی است، ضرورت توجه به این‌گونه طرحها را در راستای سیاست فقرزدایی از روستاها آشکار می‌کند.

■ بهسازی در برنامه دوم توسعه

تهیه و اجرای طرحهای بهسازی از سال ۱۳۶۵ در دستور کار وزارت جهادسازندگی قرار گرفت و متعاقب آن، بنیاد مسکن انقلاب اسلامی تهیه و اجرای این‌گونه طرحها را با نام طرح هادی آغاز نمود.

در برنامه اول توسعه، جمهوری اسلامی ایران (۷۲ - ۱۳۶۸) و سالهای ۱۳۷۳ و ۱۳۷۴ وزارت جهادسازندگی جمعاً ۸۴۵ طرح مطالعاتی بهسازی روستایی با جمعیتی بالغ بر ۲/۸ میلیون نفر را به انجام رسانده و عملیات اجرایی حدود ۵۸۰ روستا را پیگیری نموده است. اگرچه، در مبنای ارقام، تفاوت ماهوی وجود دارد، لیکن بنیاد مسکن انقلاب اسلامی نیز، حدود همین میزان فعالیت تهیه و اجرای طرح هادی داشته است.^{۱۲}

● با توجه به لزوم توجه هر چه بیشتر به امر برنامه‌ریزی توسعه روستایی و با توجه به اهداف متعالی نظام اسلامی در رفع محرومیتها و فقرزدایی، تکمیل حلقه (و سلسله مراتب برنامه‌ریزی کشور، تمرکز مطلوب جمعیت در نقاط روستایی و اصلاح نظام توزیع جغرافیایی جمعیت ضرورت پرداختن به این گونه طرحها و اصلاح، تکمیل و اجرای آن آشکار می‌باشد. لیکن تحت تأثیر نظام برنامه‌ریزی و بودجه‌بندی بخشی، عدم هماهنگی سازمانها در اجرای پروژه‌های توسعه روستایی و فقدان ابزاری کارآمد و قومی در هماهنگی و یک سو نمودن کلیه سیاستها، طرحها، برنامه‌ها و پروژه‌ها پیشنهادی، طرحهای بهسازی به طور تمام و کمال انجام نگرفته و در اغلب موارد تمامیت طرح صرفاً در اصلاح کالبدی معابر روستایی که یکی از اهداف طرح بهسازی است، خلاصه می‌گردد.

صنایع پایه و مادر.

- عدم گرایش بخش خصوصی.

- مسائل مربوط به ساختار کالبدی روستاها و ارتباطات ناحیه‌ای در برخی مناطق.

- فقدان سرمایه در دست اهالی و ضعف منابع بانکی.

با عنایت به مسائل مطروحه در تهیه و اجرای مطلوب طرحهای بهسازی، برخی اقبهای روشن و راهبردهای قابل توجه نیز وجود دارد که می‌تواند حلال بسیاری از مسائل مذکور باشد که عبارتند از:

الف - به منظور حل پاره‌ای از مسائل ناشی از برنامه‌ریزی بخشی در کشور، تشکیل شوراهای هماهنگی عمران روستایی در مراکز استان می‌تواند راهگشا باشد. شورای هماهنگی عمران روستایی کشور در محل وزارت جهادسازندگی تشکیل شده و امید می‌رود که بزودی با اعلام دستورالعمل اجرایی از مرکز، شوراهای مذکور در مراکز استان نیز تشکیل شود. این شورا، وظایفی چون برنامه‌ریزی و سیاستگذاری پروژه‌های توسعه روستایی، تصویب ساختار خدمات‌رسانی به روستاها، تصویب طرحهای توسعه روستایی و نظارت بر حسن انجام آن‌را بر عهده خواهند داشت که در این صورت، ضمن آنکه طرحهای بهسازی و نظایر آن از پشتوانه قانونی برخوردار خواهند شد، ضمانت اجرایی پروژه‌های تعریف شده در این‌گونه طرحها نیز از طرف اعضای شورا (که تمامی دستگاههای دخیل در امر عمران روستایی هستند) صورت خواهد گرفت.

ب - با تصویب قانون تشکیل شوراها و تعیین دهیار برای هر روستا در سال جاری تا حدودی زمینه قانونی برای ایجاد مدیریت یکپارچه روستایی فراهم شده است.

ج - گسترش اشتغال صنعتی در روستا نیازمند تحول در چرخه سرمایه‌گذاری و ابزار تولیدی است و لازم است که تکنولوژی کارآ، جایگزین تکنولوژیهای کوچک و کند شود.

د - همچنان که مدیریت یکپارچه روستایی از ضرورت‌های توسعه روستایی است، تولی‌گری واحد نیز جزء ضرورت‌های این توسعه می‌باشد و لازم است تا موازی‌کاریهای موجود به نحو مطلوب مرتفع شود.

ه - نگرش به روستا به عنوان یک خوابگاه و سکونتگاه محض ما را به انحراف خواهد کشاند. روستا دارای هویت و کلیت بوده و زنده و پویا است. علاوه بر این، مرزهای موجود میان روستا و شهر در حال فروریختن است و اساساً یکپارچگی فضایی فضایی شهر و روستا در قالب روابط وسیع و تحولات سریع در حال شکل‌گیری است. لذا، دوری جستن از تفرکات سنتی زندگی روستایی، غیر از سنت‌گرایی اقتصادی و کالبدی مورد نظر این نوشتار می‌باشد. چرا که اعتلای ارزشهای سنتی و ذی‌بی در روابط انسانی روستاییان، لازمه توسعه انسانی است.

و - در حال حاضر، طرحهای طبقه‌بندی و تعیین خطوط استراتژی توسعه روستایی توسط وزارت جهادسازندگی برای کلبه استانها در دست تهیه است و با توجه جدی به تهیه طرحهای توسعه یکپارچه نواحی روستایی و طرحهای ساماندهی روستاهای پراکنده و سایر طرحهای جامع منطقه‌ای خلاء موجود در سطوح برنامه‌ریزی استانی و منطقه‌ای آن‌شاء... برطرف خواهد شد.

■ جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

اشاره شد، که روستا یک پدیده فضایی - مکانی است که دارای هویت مستقل و روابط وسیع

پیرامونی است. روستا در نظام منطقه‌ای به عنوان یک جزء از کل است که کمابیش به صورت فعال به ایفای نقش می‌پردازد. در این نظام روستا دارای رفتار مشخصی است که از نقش اجتماعی، اقتصادی و قدرت ارتباطی آن در یک فضای فراتر نشأت می‌گیرد. روستاها به عنوان نقاطی مستقل در نظام منطقه‌ای به وسیله شبکه‌ای از ارتباطات (ساختاری و عملکردی) با هم و با نقاط شهری اتصال می‌یابند.

با حرکت در عمق و توجه به ماهیت وجودی یک روستا، این پدیده زنده و پویا دارای عناصر تشکیل‌دهنده‌ای است که دارای کارکرد مکمل هم می‌باشند، در واقع هر روستا یک تیم محسوب می‌شود. عناصر وابسته به ساختار اجتماعی و فرهنگی، عرصه‌های اقتصادی و ساختار فضایی - کالبدی اجزاء تیم روستا می‌باشند که دارای ارتباط، سلسله مراتب و کلیت واحد هدفمند می‌باشند. این عناصر و عرصه‌های ساختاری دارای روابط متقابل و به هم فزاینده هستند که فی مابین خود و در کل تیم روستا تعریف و تبیین می‌گردند. کلیه این فعالیتها و تعاملات در روستا مکمل نقش عناصر و بروز هویت روستایی است. زمانی که سخن از روستای زنده و پویا به میان می‌آوریم، منظور ما تیمی است که در آن هر یک از عناصر اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و کالبدی نقش خود را به خوبی انجام داده و در حد لازم مورد توجه و تقویت قرار بگیرد. در چنین وضعیتی یکپارچگی روستایی یابداز می‌شود. در غیر این صورت حلقه اتصال اجزاء از هم گسیخته و پراکندگی روستایی حاصل آن خواهد بود. با تحقق هدف یکپارچگی در روستا و کارکرد صحیح تیم، سطح زندگی، سطح ارزشهای اجتماعی و

محیطی ارتقاء یافته و منافع حاصل، فراتر از مجموع هزینه‌های صورت گرفته، به توسعه روستا در همه ابعاد منجر خواهد شد.

با توجه به تعریف و اهداف فرض شده برای طرح‌های بهسازی، اجرای کامل و صحیح این گونه طرح‌ها، منجر به یکپارچگی فضایی و آرایش مکانی بهتر و رفع نواقص ساختاری و کارکردی روستا خواهد شد. این طرح‌ها به مثابه ابزاری مهم در برنامه‌ریزی توسعه نقاط روستایی (بویژه نقاط مرکزی) در قالب رهیافت توسعه یکپارچه نواحی روستایی و با توجه به خصیصه‌های نگرش تیمی به روستا مطرح بوده و به امر تنسيق فضا، کشف روابط و تنظیم عملکردها و در نهایت توسعه زندگی روستائیان در همه ابعاد می‌پردازد.

با توجه به لزوم توجه هرچه بیشتر به امر برنامه‌ریزی توسعه روستایی و با توجه به اهداف متعالی نظام اسلامی در رفع محرومیتها و فقرزدایی، تکمیل حلقه‌ها و سلسله مراتب برنامه‌ریزی کشور، تمرکز مطلوب جمعیت در نقاط روستایی و اصلاح نظام توزیع جغرافیایی جمعیت، ضرورت پرداختن به این‌گونه طرح‌ها و اصلاح، تکمیل و اجرای آن آشکار می‌باشد. لیکن تحت

تأثیر نظام برنامه‌ریزی و بودجه‌بندی بخشی، عدم هماهنگی سازمانها در اجرای پروژه‌های توسعه روستایی و فقدان ابزاری کارآمد و قوی در هماهنگی و یک‌سو نمودن کلیه سیاستها، طرح‌ها، برنامه‌ها و پروژه‌های پیشنهادی است و در نتیجه طرح‌های بهسازی به‌طور تمام و کمال انجام نگرفته و در اغلب موارد تمامیت طرح صرفاً در اصلاح کالبدی معابر روستایی که یکی از اهداف طرح بهسازی است، خلاصه می‌گردد. به نظر نگارنده از جمله ضرورت‌های بنیادی در نظام

حشی توسعه روستایی توجه به این مشکل مهم و اصلاح مکانیزم فعلی در اجرای طرح‌های بهسازی روستایی است. طرح‌هایی که در صورت تحقق کامل و اجرای سیاستها و پروژه‌های آن به عنوان یک سند توسعه نقاط روستایی می‌تواند، بسنر مناسبی برای برنامه‌ریزی توسعه روستایی باشد. تحقق این خواست نیازمند تحقق و تفحص بیشتر و اصلاح و تکمیل ساختار اینگونه طرح‌ها و برقراری نمودن مکانیزم‌های مؤثر اجرایی آن می‌باشد.

پی‌نوشتها:

- ۱- آر - پی - میسراوجی . شیبیرچیمما، "برنامه‌ریزی مشارکتی برای توسعه از سطوح پایین" مجله جهاد، شماره ۹۳
- ۲- برای کلمه سیستم System واژه‌هایی چون نظام، منظومه، تشکیلات غیره در فارسی در نظر گرفته شده است.
- ۳- فرشاد مهدی نگرش سیستمی انتشارات امیرکبیر ۱۳۶۲ ص ۴۲-۴۳
- ۴- همان منبع: ص ۴۶
- ۵- ۶- ۶- رک همان منبع ص ۴۷-۴۶
- ۷- عبدالحی حسنت مقاله توسعه روستایی همه جانبه فصلنامه روستا و توسعه، شماره ۱، وزارت جهاد سازندگی، ۱۳۷۳، ص ۲۱
- ۸- صرافی مظفر نسیری در مباحث توسعه فضایی سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۶۴، ص ۱۷
- ۹- اداره کل بهسازی و مسکن کلیات طرح بهسازی معاونت عمران وزارت جهاد سازندگی ص ۲
- ۱۰- همان منبع ص ۶-۲
- ۱۱- رک، معاونت عمران و صنایع روستایی وزارت جهادسازندگی "طرح طبقه‌بندی روستاها و تعیین خطوط استراتژی توسعه و عمران روستایی" جلد دوم: روند تحولات و آینده‌نگری ۱۳۷۴
- ۱۲- اداره کل بهسازی و مسکن گزارش عملکرد برنامه اول ۱۳۷۳ و گفتگوی شفاهی
- ۱۳- پیوست قانون برنامه دوم توسعه اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، فصل عمران و نوسازی روستاها.

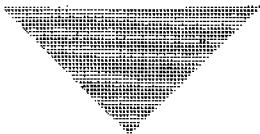
فهرست منابع و مآخذ

- ۱- آر - پی - میسراوجی . شیبیرچیمما، "برنامه‌ریزی مشارکتی برای توسعه از سطوح پایین" مجله جهاد، شماره ۹۳
- ۲- فرشاد مهدی نگرش سیستمی انتشارات امیرکبیر ۱۳۶۲
- ۳- عبدالحی حسنت مقاله "توسعه روستایی همه جانبه" فصلنامه روستا و توسعه، شماره ۱، ۱۳۷۳
- ۴- صرافى مظفر نسیری در مباحث توسعه فضایی سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۶۴
- ۵- اداره کل بهسازی و مسکن کلیات طرح بهسازی معاونت عمران وزارت جهاد سازندگی
- ۶- وزارت جهادسازندگی "طرح طبقه‌بندی روستاها و تعیین خطوط استراتژی توسعه و عمران روستایی"، ۱۳۷۴
- ۷- اداره کل بهسازی و مسکن "ارزیابی عملکرد برنامه اول و اهداف برنامه دوم"، ۱۳۷۲
- ۸- پیوست قانون برنامه دوم توسعه اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، (۷۸-۱۳۷۴)

۹- اسکاپ، مهندسین مشاور رهنمودهایی برای برنامه‌ریزی مراکز روستایی مرکز تحقیقات و بررسی مسائل روستایی، وزارت جهادسازندگی، ۱۳۷۱

۱۰- اوکلی پیترومارسدن دیوید رهیافتهای مشارکت در توسعه روستایی مرکز تحقیقات و بررسی مسائل روستایی، وزارت جهاد سازندگی، ۱۳۷۰

۱۱- آورم بن دیوید - وال برنامه‌ریزی توسعه نواحی روستایی روستا و توسعه، شماره ۲۱، وزارت جهاد سازندگی، ۱۳۷۴



● بقیه از صفحه ۷۴

ed.). Food and Agricultural organization of the United Nations. Rome.

24- University of Minnesota, Minnesota Extension Service. Dairy Initiatives, strategies for success in the 90's. Minnesota Extension Service, St. Paul. 1991.

25- Vines, C.A. and Anderson, M.A. (1976). Heritage horizons : extension commitment to people. Madison WI Extension Journal , Inc.

● پی‌نوشتها

- 1- Dairy Initive Demonstration Farms Program.
- 2- (Maalouf , W.D 1965. Cook, B. D 1966. Arokoyo, J.O 1981 Oni. D.O 1983. Peters, R. R, Manspeaker, J. E. and Cohen, E. R. 1986. Riesenber, L. E. and obel Gor, c.1989).
- 3- S.C.C = Somatic cell Count
- 4- TMR = Total Mix Ration